

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

توجیه کلام صاحب فصول توسط علما

عرض کردیم فصول تداخل اسباب یعنی تداخل تجری و معصیت را مطرح می کنند. لذا این که مرحوم شیخ می فرمود تداخل عقاب وجهی ندارد، ایشان می فرماید: تداخل وجه دارد چون اسباب تداخل کرده اند. یا اینکه مرحوم آخوند فرمود چرا از معلول به علت نرفتید یعنی از وحدت عقاب به وحدت سبب نرفتید که ایشان می فرماید من از عقاب واحد قائل به سبب واحد شدم یا مرحوم خوئی که گوید لا ملاک لتعدد العقاب که ص فصول گوید من نگفتم تعدد عقاب بلکه از اول گویم عقاب واحد است.

تأیید فصول

اگر فصول این چند مقدمه را بگوید:

اولاً- تجری عنوان قصد و عزم و تصدی است.

ثانیاً: در تجری قبح و حرمت و استحقاق عقاب وجود دارد.

ثالثاً: در اطاعت و معصیت ثواب و عقاب برای عمل است. کما این که در قوانین حقوق موضوعه برای جرم مرتکب شده در خارج مجازات قرار می دهند.

رابعاً: در معصیت و اطاعت نه بین عقلاء نه در دین ما دو عقاب و دو ثواب نداریم.

حال وقتی این مقدمات را کنار هم می گذاریم، حرفی غیر از کلام صاحب فصول که تداخل اسباب بود را نمی توان زد.

نقد کلام صاحب فصول

به نظر ما کلام صاحب فصول نادرست است منتهی نه به بیان مرحوم شیخ و مرحوم آخوند و مرحوم خوئی بلکه به این بیان که: در معصیت و تجری مناط استحقاق عقاب واحد است و به درک عقل تمام مناط، طغیان و هتک مولی و خروج از رسم عبودیت و ظلم بر مولی است. کما این که این کلام را هم مرحوم عراقی و مرحوم آخوند و مرحوم خوئی و مرحوم اصفهانی دارند.

حال به صاحب فصول گوئیم: شما که قائل به حرمت تجری و استحقاق عقاب شدید، قهراً قائل به عقوبت خواهید بود. چه مصادف واقع بشود یا نشود. چون معصیت و تجری یک مناط واحد دارند.

البته آقای روحانی در این قسمت مطلبی دارند و می فرمایند: در میان عقلاء عقاب و ثواب را به عمل خارجی نسبت می دهند. که ما به ایشان عرض می کنیم عقاب و ثواب مربوط به حوزه درک عقل است در حالی که کلام شما یک بیان عرفی است و در حوزه عقل نباید از بیانات عرفی استفاده کرد.

نکته برای تثبیت مطلب: اصولاً استحقاق عقاب و ثواب دائر مدار امر اختیاری است؛ عقل هیچ وقت قبول نمی کند یک نفر را نسبت به امر غیر اختیاری محکوم کنیم. لذا مرحوم شیخ انصاری که می فرمود: استحقاق عقاب دائر مدار امر غیر اختیاری باشد قبیح است ولی عدم استحقاق دائر مدار امر غیر اختیاری باشد قبیح نیست را ما قبول نکردیم و عرض کردیم عقل نمی پذیرد؛ بلکه در عقوبت فعلی ممکن است خداوند تفضل کنند. حال در بحث ما اصابت و عدم اصابت به واقع اختیاری نیست؛ در این صورت استحقاق عقاب و ثواب نمی تواند دائر مدار آن باشد و ما بارها گفته ایم تفاوت تجری و معصیت فقط در اصابت و عدم اصابت است.

خلاصه ما قائل به حرمت تجری و قائل به استحقاق عقاب هم می شویم ولی در معصیت دو عقاب نداریم و مناط تجری و

معصیت واحد خواهد بود.

اما روایتی که گوید راضی برایش اثم است توجیهش این است که رضایت غیر نیت است. رضایت یک حالت نفسانی اختیاری است؛ یعنی انسان به تحقق معصیت راضی باشد و لذا کسی که رضایت دارد خودش یک گناه است و کسی که داخل معصیت می شود دو گناه را دارد چون یک گناه رضایت را دارد و یک گناه دخول را دارد. و می دانید بین رضایت و نیت عام و خاص من وجه است؛ گاهی شخص قصد معصیت هم ندارد اصلاً این جا تجری صادق نیست ولی نسبت به گناه دیگران بدش نمی آید و راضی است و گاهی است شخص راضی به معصیت نیست و بدش هم می آید ولی منافعش اقتضاء می کند که انجام دهد در این جا نیت و قصد اختیاری دارد ولی رضایت ندارد و البته گاه کسی هم گناه رضایت و هم گناه دخول را هم دارد. بالاتر این که اگر کسی بر اثر عدم اعتقاد گناه کند، ممکن است بگوئیم سه گناه دارد: 1. عدم باور 2. رضایت به گناه 3. دخول در گناه؛ کما این که مرحوم شیخ در بحث تهمت گوید ممکن است قائل به سه گناه - دروغ و غیبت و تهمت - شویم.

نتیجه

بحث ما در تجری با تمام جوانبش به پایان رسید و از نظر روایت و فقه و حقوق بررسی کردیم. و خلاصه نظر ما این است که تجری حرام است و استحقاق عقاب دارد و فعل متجری به حرام نیست و سرایتی صورت نمی گیرد و ملاک تجری با معصیت از نظر استحقاق فرق ندارد و نیاز به قائل شدن به تداخل نداریم و مانع سر راه قول به حرمت نیز برداشته شد.

الحمد لله رب العالمین